


## Aesthetics of Sūra al-Jinn



Maryam Nassaj 

Assistant Professor in Islamic Theology, Farhangian University,  
Tehran, Iran (m.nassaj@cfu.ac.ir)

### Abstract

Part of the literary beauty of the *Qur'an* can be seen when examining the structure and text of its chapters. This study is followed by descriptive-analytical method and aims to present the aesthetics of this sura at the level of structure, sounds and vocabulary. The results of the study indicate that this sura has a coherent structure and its discussions are presented in two categories: The first category contains the story of the faith of the Jinn by hearing the verses of the *Qur'an* and their freedom from polytheism. The second category also includes the proof of the message of God's mission and the unseen world. The aim and purpose of the sura is to call for monotheism and to prove the prophecy of the prophet Muḥammad (PBUH) and that the *Qur'an* is a guide for humanity. At the phonetic level, arrays of repetition, al-tasdīr and alliteration have been used, which show the beauty of the words and the coherence of the text. At the lexical level, the final words of this sura are very similar to Sura al-Kahf. Through the comparative study of two surah, one can reach new points.

**Keywords:** structural analysis, Surah Jinn, phonetic level, lexical level, rhetoric.

### Review Paper


Received: 6/ 12/ 2022, accepted: 29/ 12/ 2022, and published: 29/ 12/ 2022, Pages: 229-247.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.10.3

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



## سوره جن:

# زیبایی‌شناسی ساختاری، آوایی و واژگانی

مریم نساج 

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (m.nassaj@cfu.ac.ir)

## چکیده

بخشی از زیبایی ادبی قرآن به هنگام بررسی ساختار و متن سوره‌های آن هویدا می‌گردد. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی دنبال می‌شود و در صدد ارائه زیباشناسی این سوره در سطح ساختار، آواها و واژگان است. نتایج مطالعه حاکی از آن است این سوره ساختاری منسجم دارد و بحث‌هایش در دو دسته ارائه گردیده است: دسته اول داستان ایمان جنیان به واسطه شنیدن آیات قرآن و رهایی از شرک را دربر دارد. دسته دوم نیز اثبات ابلاغ رسالت و عالم‌الغیب بودن پروردگار را شامل می‌شود. هدف و غرض سوره دعوت به توحید و اثبات رسالت و معاد و هادی بودن قرآن است. در سطح آوایی، آرایه‌های تکرار، تصدیر و التفات به کار رفته است که نشان‌دهنده زیبایی کلام و انسجام متن است. در سطح واژگانی نیز، الفاظ پایانی این سوره شباهت بسیار با سوره کهف دارد. از طریق مطالعه تطبیقی دو سوره می‌توان به نکاتی بدیع دست یافت.

**کلیدواژه‌ها:** ساختارشناسی، سوره جن، سطح آوایی، سطح واژگانی، بلاغت.

## مقاله مروری


دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۵ ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۸ ش، نشر: ۱۴۰۱/۱۰/۸ ش، صفحه ۲۲۹ تا ۲۴۷.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۲۷۸۳-۵۲۹۴

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۵۳۰۸

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 DOR: 20.1001.1.52942783.1401.3.1.10.3

## درآمد

ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در فصل و وصل، اوج و فرود، دور و نزدیک به گونه‌ای است که فصاحت و بلاغت آن آشکار است (مطعنی، ویژگی‌های بلاغی...، ۱۱۱). از جمله روش‌هایی که بلاغت آیات قرآن را تبیین می‌نماید توجه به متن سوره‌های قرآن است؛ یعنی توجه به این که ساختار یک سوره چه گونه است و آیات به چه شیوه و ترتیبی در کنار هم چینش یافته‌اند. از این منظر، برقراری ارتباط میان آیات، جملات، کلمات و حروفی که به صورت پیوسته در کنار هم نظم یافته‌اند می‌تواند حقایقی از معارف قرآنی را آشکار کند. در یک چنین تحلیل ساختاری اعتقاد براین است که هر سوره هدف و غرض خاصی دارد و آیات آن تصویری زیبا، پیوسته و هماهنگ را نشان می‌دهد (بنگرید به: بستانی، التفسیر البنائی، ۱۰).

## طرح مسئله

مطالعه ساختار سوره می‌تواند نقش مهمی در نشان دادن زیبایی‌های آیات قرآن ایفاء کند. در این روش به تک‌تک آیه‌ها به صورت مجزا نگریسته نمی‌شود؛ بل که به صورت مجموعه‌ای نگریسته می‌شود که اجزاء آن با یکدیگر در ارتباط اند و از طریق دقت و بررسی در جملات و ارتباط میان این اجزاء می‌توان هدف و غرض اصلی محتوا را کشف کرد (البرزی، مبانی زبان‌شناسی متن، ۲۵۲).

در این مطالعه بنا داریم با بررسی ساختاری سوره جن و مرور آن‌چه در تفاسیر مختلف درباره ساختار این سوره گفته شده است، نظر مفسران درباره ساختار سوره را بررسی کنیم و ساختاری سوره را بازشناسیم. نیز، هدف و غرض سوره و مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی آن را بازباییم. برای نشان دادن زیبایی سوره جن افزون‌بر ساختار، به بررسی سطح آوایی و سطح واژگانی سوره خواهیم پرداخت.

در این مطالعه می‌کوشیم به این پرسش‌ها پاسخ گوئیم: اولاً، ساختار سوره جن چه گونه است و هدف اصلی آن چیست؛ ثانیاً، مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی این سوره در سطح آوایی و واژگانی چیستند و هر یک چه اثری در زیبایی سوره دارند؛ ثالثاً، هدف و غرض سوره چیست. تا کنون دو مطالعه با رویکرد زبان‌شناختی درباره سوره جن صورت گرفته است؛ یکی مقاله

«گفتمان کاوی نظام زبانی سوره جن: بررسی آماری» از عبدالله زاده و دیگران (۱۳۹۷ش) که در آن مؤلفان کوشیده‌اند با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و تأکید بر اهمیت کارگزاران اجتماعی گفتمان، سوره را تحلیل گفتمان کنند. مقاله دیگر «بررسی دیدگاه سلفیان معاصر درباره آیه آن المساجد لله» از میلاد نورانی است. در هیچ‌یک از این دو مطالعه ساختار و زیبایی‌شناسی سوره جن کاویده نشده است.

## ۱. تحلیل ساختاری مضمون سوره

در این نوشتار از طریق روش ساختاری نخست ساختار سوره جن در تفاسیر مختلف بیان می‌گردد، و نظر مفسران تحلیل می‌گردد، سپس ساختاری منسجم از سوره ارائه شده و هدف و غرض سوره ذکر می‌گردد.

### ۱-۱) تحلیل ساختار موضوعی سوره

سوره جن از سوره‌هایی است که در مکه نازل شده، و اولین سوره از سوره‌های پنج‌گانه مقولات - که همگی با «قل» شروع می‌شوند - است. این سوره براساس ترتیب نزول چهلمین سوره است. قبل از سوره یس و بعد از سوره اعراف نازل شده است (دروزه، *التفسیر الحدیث*، ۹/۳). گفته‌اند نام دیگر این سوره «قل اوحی» (ابن عاشور، *التحریر والتنویر*، ۲۹/۲۰۱)، و از سوره حزب مفضل است (معرفت، *التمهید*، ۱/۳۱۳).

برخی از مفسران نگاه‌شان به آیات نگاهی خطی - جزئی است. اینان فقط در حد تناسب به آیات می‌نگرند و کم‌تر نگاه موضوعی و کوشش برای تحلیل هدف سوره دارند. از جمله این مفسران می‌توان به فخر رازی اشاره کرد که در تفسیر *مفاتیح الغیب*، آیات را تک‌به‌تک معنا کرده، و فقط آیات ۱۶-۱۷ و ۲۶-۲۷ را از نظر ساختار در کنار هم قرار داده است. از جمله تفاسیر دیگر که این نگاه را دارند باید به *کشاف* زمخشری، *نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور* بقاعی، *التحریر والتنویر* ابن عاشور، و *من وحی القرآن* فضل الله اشاره کرد (بنگرید به: منابع یادشده، ذیل آیات).

برخی دیگر از مفسران نگاه‌شان به آیات فراتر از دید جزئی نگر، نگاه پیوستگی موضوعی به آیات است و آیتی که در کنار هم قرار گرفته‌اند از نظر موضوع دسته‌بندی شده‌اند. از جمله این

تفاسیر می‌توان به تفسیر *التبیان* شیخ طوسی، *الکشف و البیان* ثعلبی، *المحرر الوجیز* ابن عطیه، *روح المعانی* آلوسی، و نمونه‌های پرشمار دیگر را یاد کرد (بنگرید به: منابع یادشده، ذیل آیات). با این حال، در این تفاسیر معمولاً ملاکی برای دسته‌بندی بیان، و غرض و هدف هم ذکر نشده است.

برای نمونه، در تفسیر *مجمع البیان* آیات سوره به سه دسته تقسیم شده، اما ملاکی بیان نگشته است. در *تفسیر نمونه* هم با دید ساختاری دسته‌بندی صورت نگرفته است. مثلاً، در دسته‌بندی آیات ۷-۱۰ بیان می‌شود که این آیات ادامه سخن جنیان است. در دسته‌بندی آیات ۱۱-۱۵ هم باز چنین گفته می‌شود؛ اما دلیلی برای تفکیک و جدایی دسته‌ها بیان نمی‌شود. گروه سوم از مفسران نگاه‌شان به آیات متفاوت است. اینان افزون‌بر نظم آیات و سور و دسته‌بندی موضوعی، به دنبال کشف غرض و هدف از سوره اند. بارزترین نمونه این نگاه را طباطبایی در تفسیر *المیزان* دارد. وی افزون‌بر بیان نظم آیات، به هدف و غرض سوره هم اشاره می‌کند. طباطبایی در سخن از سوره جن نیز آیات آن را به دو دسته تقسیم نموده است: دسته اول آیات ۱-۱۷ را دربر می‌گیرد که درباره ایمان آوردن گروهی از جنیان و اقرار آنان به یگانگی خدا، نبوت پیامبر (ص)، ربوبیت خدا، و معاد است. دسته دوم آیات ۱۸-۲۸ را دربر می‌گیرد که در آن درباره یگانگی خدا و معاد هم چون نتیجه از داستان جنیان ذکر می‌شود (طباطبایی، *المیزان*، ۲۰/۵۹). نگاه سید قطب و سعید حوی نیز به سوره جن شبیه طباطبایی است. این مفسران نسبت به زیبایی موسیقایی آیات *قرآن* و تصویر هنری آیات نیز آرائی دارند.

سید قطب در تفسیر *فی ظلال القرآن* برای اشاره به هر یک از دسته‌های آیات از تعبیر «شوط» استفاده کرده، و او نیز هم چون طباطبایی سوره را به دو دسته تقسیم نموده است. به باور او دو دسته آیات ۱-۱۹، و آیات ۲۰-۲۸ را دربر می‌گیرد. وی این سوره را یک قطعه موسیقی با آهنگ یک‌نواخت می‌داند که نغمه و طنین آن آشکار و هویداست و بخصوص در نیمه دوم که روی خطاب به پیامبر (ص) است (قطب، *فی ظلال القرآن*، ۶/۳۷). سعید حوی هم موسیقی این سوره را بسیار هویدا می‌بیند (حوی، *الاساس*، ۱۱/۶۱۷۰).

## ۲-۱) انسجام ساختار سوره

به نظر می‌رسد آیات سوره جن را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: آیات ۱-۱۹، و آیات

۲۰-۲۸. دسته اول باز خود به سه بخش تقسیم می‌گردد: آیات ۱-۵، ۶-۱۳، و ۱۴-۱۹. تمامی آیات این سوره به صورت یک دست یا از طریق لفظی یا معنایی به هم پیوسته است. در آیه اول: قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (جن/۱).

واژه «فقالوا» در آیه آمده، که آیات ۲-۱۹ مقول القول همین واژه از آیه اول است. از آیه ۲۰ نیز خطاب «قل» آغاز می‌گردد که مباحث مذکور در آن در دسته بندی جدیدی قرار می‌گیرد؛ هر چند البته جواب «کادوا یکنونون علیه لبداء» (جن/۱۹) آیات قبل است.

آیات ۱-۱۹ نیز خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: آیات ۱-۵، ۶-۱۳، و ۱۴-۱۹. از آیه ۱-۵ به طور خلاصه داستان ایمان جنیان را به واسطه شنیدن آیات قرآن بیان می‌کند. نیز، توضیح داده می‌شود اینان از شرک رهایی یافته‌اند و برای پروردگار خود شریک قائل نیستند. آیات ۶-۱۳ بحث شرح ایمان جنیان است؛ این که انسان‌ها برای دریافت خبر غیبی به جن‌ها پناه می‌برند؛ و این که جنیان خود نیز برای دریافت خبر به محلی که همیشه برای استراق سمع می‌رفتند راهی شدند و بعد با تعجب دیدند شهاب‌هایی در کمین است. آن‌ها گفتند نمی‌دانیم برای ساکنان زمین شر یا رشد اراده شده است. برخی از ایشان هم ایمان آوردند.

از آیات ۱۴ تا ۱۹ جمع بندی ایمان جنیان است. گفته می‌شود کسانی که ایمان آوردند به رَسَد رهنمون گردیدند: «تَحَرَّوْا رَسَدًا» (جن/۱۴) و کسانی که کافر شدند عذابی افزون و جهنم برای آنان مهیا است (جن/۱۵). جنیان با آب گوارا آزمایش خواهند شد (جن/۱۶-۱۷). در آیه ۱۸ تا ۱۹ هم تعجب جنیان از اعتراض انسان‌ها به قیام توحیدی پیامبر (ص) اظهار می‌شود.

بالاخره، آیات ۲۰-۲۸ هم پاسخ آیه ۱۹ است. در آیه ۱۹ آمده بود:

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِيَدًّا (الجن/۱۹).

ترجمه: و چون بنده خدا قیام کرد و خدا را می‌خواند، طایفه جنیان چنان گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فروریزند.

اکنون در این آیات به جنیانی که نسبت به توحید پیامبر (ص) معترض بودند پاسخ‌هایی داده می‌شود؛ پاسخ‌هایی که در آن‌ها پیامبر (ص) نفی مطلق شرک، نفی مالکیت از خود، و نفی داشتن هرگونه یآوری جز خدا می‌کنند. هم چنین پیامبر (ص) به جنیان ابلاغ رسالت، و بیان می‌کند که تنها عالم غیب خداوند است و پیامبر (ص) نمی‌تواند بر خلاف دستورات خدا

کاری انجام دهد.

### ۳-۱) کشف هدف و غرض سوره

باتوجه به موارد بیان‌شده به نظر می‌رسد این سوره مفهوم توحید، رسالت، نبوت و کتاب خدا را دربر دارد و توجه به این مفاهیم در هر دو دسته از آیات سوره جن دیده می‌شود؛ هم در دسته اول که اعترافات جنیان به شرک و شرح نحوه ایمان آن‌هاست، هم در دسته دوم که در مقام نتیجه‌گیری از بحث‌های یادشده به توحید و رسالت نبوی و قیامت اشاره می‌شود.

جدول ۱: دسته‌بندی موضوعی آیات سوره جن		
دسته اول (آیات ۱-۱۹)		دسته دوم (آیات ۲۰-۲۸)
توحید و لَنْ نَشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) وَ أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا (۳) وَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴) وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)... رَهْمًا	توحید	وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸) وَ أَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَ لَا أَشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰) قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا (۲۱) قُلْ إِنِّي لَنْ يَجْزِيَني مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أُجَدَّ مِنْ ذُونِهِ مَلْتَحِدًا (۲۲)
رسالت وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهَ أَحَدًا	ابلاغ رسالت	إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِسَالَتِهِ (۲۳) إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ (۲۷) لِّيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتٍ رَبِّهِمْ.. (۲۸)
قیامت وَ؛ اما القابيطون فكانوا لجهنم خطبًا	قیامت	وَ مَن يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳) قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵) عِلْمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا
کتاب فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ... (۲)		

در هر دو دسته بحث از شرک به توحید کشانده می‌شود، ارتباط جنیان با غیب را صحیح نمی‌شمرد، و غیب را فقط از آن خداوند می‌داند که از طریق رسول و کتاب الهی قابل دستیابی است. براساس مجموع این شواهد می‌توان گفت که هدف سوره عبارت است از دعوت به توحید، اثبات رسالت پیامبر (ص) و معاد، و تبیین هدایتگری قرآن.

### ۲. تحلیل ساختار زبانی سوره

نظم آیات قرآن عین بلاغت است. نگاه ساختاری به مضمون آیات اقتضاء می‌کند که به آن‌ها جزء‌نگرانه نگریسته نشود؛ بل که نگاهی مجموعی به مضمون سوره و آیات صورت گیرد. در تحلیل ساختار زبانی سوره هم با نگاه آوایی به آیات نگریسته می‌شود؛ زیرا آواها به غیر از این که از نظر زیباشناسی در متن و جملات اثر گذار است، از نظر دلالت معنا هم می‌تواند بر روی متن اثر گذار باشد.

## ۲-۱) تکرار آواها

نظم آهنگین بودن آیات از جمله ویژگی‌هایی است که از دیرباز ادیبان و سخنوران را به خود جذب نمود. این نظم آهنگین قرآن بحث‌ها برای اثبات اعجاز بلاغی آیات قرآن را هم در پی داشت. در ذیل به برخی از نظم‌های سوره جن اشاره می‌شود.

در این سوره تمامی کلمات پایانی هر آیه به الف ختم می‌گردد که آهنگی به سوره بخشیده است. این کلمات پایانی یا مخصوص خود سوره جن است که در هیچ جای دیگر قرآن بیان نشده است؛ یا برخی از آن‌ها تنها در سوره کهف آمده است؛ یعنی سوره‌ای که از نظر ارتباط محتوایی با این سوره پیوند دارد (بنگرید به: ادامه بحث).

یکی از ارکان خلق موسیقی تکرار است. چنین تکراری می‌تواند در صامت‌ها، مصوت‌ها، حروف، کلمات، و جملات روی دهد و آهنگ زیبایی را به مخاطب منتقل سازد و بر انتقال معنا نیز اثر مثبت گذارد. برخی از عبارات و آیات سوره جن تکرار می‌گردند. این امر افزون‌بر ارزش زیبایی‌شناختی، از این حیث مهم است که در هر کدام از این تکرارها نکته و پیامی نهفته می‌تواند باشد.

برای نمونه، واژه «سمعنا» دوبار در این سوره تکرار شده است؛ یکی در آیه اول:

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ إِلَىٰ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا

که ایمان آوردن جنیان را به‌اجمال بیان می‌کند؛ دیگری در آیه ۱۳:

وَ أَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

که نتیجه و شرح ایمان جنیان را باز می‌گوید.

در آیات «وَ أَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ» (جن/ ۱۰)، «وَ أَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ» (جن/ ۱۴) هم کلمه «منا» دوبار تکرار شده است. این تکرار می‌دهد که جنیان به دو گروه متقابل تفکیک شده‌اند. واژه‌های «رَشَدًا» «رَهَقًا»، «كذِبًا»، و «عَدَدًا» هم در این سوره چند بار تکرار شده‌اند. تکرار هرکدام از این‌ها به نظر می‌رسد برای افاده معنای بخصوصی صورت گرفته است (بنگرید به: ادامه بحث).

از جمله دیگر موارد تکرار، واج‌آرایی‌هاست؛ تکرار یک یا چند صامت و مصوت که باعث زیبایی و نظم آهنگین کلام گردد. در آیه اول سوره جن آمده است: «قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ إِلَىٰ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ



مَنْ الْجَنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا». تکرار حرف قاف در این آیه که صفت استعلاء، اطلاق و جهر دارد، شدت و محکم و استواری کلام را می‌رساند.

در آیات ۱۴-۱۸ سوره جن هم حرف سین بسیار تکرار شده است:

وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا \* وَ؛ اما  
الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا \* وَ أَلْوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا \*  
لِنُقَاتِلَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا \* وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا  
تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.

حرف سین از حروف مهموس است و آرامش و نرمی را القاء می‌کند؛ امری که با مضمون آیات یادشده سازگاری کامل دارد.

در «فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا» (جن/ ۱۴) نیز، کنار هم قرار گرفتن حرف تاء و شین سبب شده است کلام دل‌نشین گردد. باین‌حال، هنگامی که همین سین در کنار قاف یا طاء که صفت اطلاق و جهر دارند قرار می‌گیرد، کمی حس کوبندگی به کلام منتقل می‌کند. مثلاً در واژه «حَطَبًا» (جن/ ۱۵)، خشونت و گرفتگی که در حرف «ح» است و استعلایی که در حرف «ط» وجود دارد منجر شده است که خشونت و سنگینی القاء شود.

در آیات ۲۱-۲۳ نیز، واج آرایبی حرف «لام» به چشم می‌آید:

قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ صَرًّا وَ لَا رَشَدًا \* قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ  
دُونِهِ مُتَسَدِّدًا \* إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَ رِسَالَاتٍ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ  
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا.

## ۲-۲) دیگر آرایه‌های ادبی متن

تصدیر یا رَدُّ الْعَجْزِ إِلَى الصَّدْرِ یا همان برگرداندن پایان کلام به آغاز آن یکی دیگر از صناعات ادبی است و خود انوعی دارد. اگر الفاظی که با هم حروف یک‌سانی دارند یا از هم مشتق شده باشند یکی در ابتداء کلام و دیگری در پایان ذکر شود نوعی رَدُّ الْعَجْزِ إِلَى الصَّدْرِ اتفاق افتاده است (هاشمی، *جواهر البلاغه*، ۲/ ۳۲۳). با این توضیح درباره آیه ۱۰ سوره جن هم به نظر می‌افتد چنین اتفاقی افتاده باشد:

وَ أَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا.

در این آیه برای خیر، فاعل ذکر شده، اما برای شر فاعل ذکر نشده و فعل به صیغه مجهول آمده

است. این می‌تواند هم نشان‌دهنده ادب در محضر خدا باشد و هم بر این دلالت کند که خداوند شرّ کسی را نمی‌خواهد؛ مگر آنکه خود شخص کاری کرده باشد که مستحق شر شده باشد (طباطبایی، *المیزان*، ۶۷/۲۰). در آیات ۶، ۷، ۹ و ۱۲ نیز نمونه‌هایی مشابه از چنین تصدیری را می‌توان دید.

صنعت شایان توجه دیگر در این آیه‌ها التفات است. التفات به معنی تغییر مخاطب سخن است. هنگامی که روی سخن از یک زاویه به زاویه دیگر تغییر یابد و روال عادی کلام تغییر کند التفات روی داده است. در آیات:

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا \* وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً  
غَدَقًا \* لِنُفِثَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا (جن/ ۱۵-۱۷)

بحث اعراض جنیات از ذکر خدا مطرح شده است. می‌دانیم بر پایه آیات *قرآن کریم* سبب اصلی در دخول آتش همین اعراض از ذکر خداست.

در آیه اخیر لحن بیان تغییر می‌کند و التفاتی از متکلم مع‌الغیر به غائب روی می‌دهد: «وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ...». طباطبایی معتقد است یادکرد «رب» از آن‌روست که یادآوری کند منشا اصلی عذاب همین اعراض از ذکر ربّ است. وی می‌گوید از همین‌رو، به جای «ما چنین و چنان می‌کنیم» گفته شده است که «پروردگارش چنین و چنان می‌کند» تا به مبدأ اصلی اشاره شود (طباطبایی، *المیزان*، ۷۲/۲۰).

### ۲-۳) تحلیل ساختاری در سطح واژگانی

هم‌نشینی واژه‌ها در آیات *قرآن* به غیر از ارزش بلاغی، حاوی پیام‌های تفسیری و ارزش معنایی است. یکی از هم‌نشینی‌های شایان توجه در این سوره با هم آورده شدن «قُل» و «جَن» است. این واژه ۳۳۲ بار در آیات *قرآن* تکرار شده است. افزون‌براین، پنج سوره *قرآن* با «قُل» آغاز می‌شود سور مقولات نامیده می‌شوند و عبارت‌اند از سوره‌های کافرون، ناس، فلق، توحید، و جن.

هرکدام از این سوره‌ها به گونه‌ای با توحید و صفات خدا در ارتباط است. در سوره اخلاص بحث توحید و یگانگی خداوند مطرح می‌شود. بحث سوره فلق پناه بردن به خداند از شر موجودات، و بحث سوره ناس هم پناه بردن به او از شر شیطان و سوسه‌گر است. در سوره

کافرون متمایز بودن پیامبر (ص) از کافران به سبب توحید مطرح می‌شود. در سوره جن هم موضوع بحث دعوت به توحید و ترک شرک است.

کلمه «قل» نشانه این است که همه پیام به فرمان خدا، و به تعبیر دیگر عین منطق پروردگار است. ذکر این کلمه نشان‌دهنده اصالت قرآن و نقل عین کلماتی است که بر پیامبر (ص) وحی شده، و نشان می‌دهد او هیچ‌گونه تغییری در آن الفاظ نمی‌داده است (جهانگیری، معرفی واژه‌ها...، ۳۳). این‌که در آغاز سوره جن هم «قل» آمده نشان می‌دهد نزول سوره نتیجه اتفاق و رخدادی بوده است. این‌که چنین اتفاقی چه می‌تواند باشد البته جای بحث دارد. شاید آن اتفاق پناه بردن مردمانی به جنیان برای رفع مشکلات روزمره خود یا حتی سؤال درباره پیامبر (ص) بوده باشد، یا شاید انکار کسانی نسبت به معاد سبب نزول این آیات شده باشد.

اکنون با این مقدمه می‌گوییم که جن در لغت به معنی شیء پنهان است. فعل جَنَّ یعنی «سَتَرَ الشَّيْءَ عَنِ الْحَاسَّةِ» (راغب، المفردات، ۲۰۳)، و آن‌چه از حواس پوشیده باشد جن نامیده می‌شود (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳/۶۹). در زبان عربی به سپر نیز به دلیل این‌که جنگنده را می‌پوشاند «جُنَّة» می‌گویند (برای کاربرد آن در قرآن، بنگرید به: منافقون/۲). نطفه در رحم را نیز به دلیل همین پوشیده بودنش «جَنین» می‌نامند (بنگرید به: نجم/۳۲). به همین نحو، «جَنَّت» باغی است که زمین آن با گیاه پوشیده باشد (ابن منظور، همان‌جا).

مجنون نیز کسی است که عقلش پوشیده شده (بازرگان، نظم قرآن، ۳/۳۲۲). به همین ترتیب، جَنان قلب انسان است که در میان سینه پنهان شده، و «جان» (انعام/۷۶) نیز ماری است که در سوراخ خود پنهان شده است (طریحی، مجمع البحرین، ۶/۲۲۷). واژه جن ۲۲ بار در قرآن تکرار شده، و ۳ بار در سوره جن آمده است.

براین پایه می‌گوییم تعبیر «قُلْ أَوْحَى» در ابتدای سوره امری است به پیامبر (ص) که به مردمان بگوید موجوداتی پنهان از طایفه جنیان گردآمده، سخنانی گفته‌اند و خدا نیز خبر این اجتماع را به پیامبر خود رسانده است. با یادکرد تعبیر قُل بناست این احتمال دفع شود که پیامبر (ص) خود با جنیان در ارتباط است؛ ارتباطی که برپایه فرهنگ عرب عصر نزول می‌توانست سبب شود مخاطبان پیامبر (ص) وحی الهی را با پیش‌گویی کاهنان و رفتارهای مشابه آن هم‌سنخ بینگارند.

### ۳. شباهت وازگانی با سوره کهف

سوره جن ۲۸ آیه دارد و همه کلمات انتهایی آیات آن به الف ختم می‌شوند. ۱۰ کلمه آن مختص به سوره جن است: کلمات رَهَقًا (۲ مرتبه)، شُهْبًا، رَصَدًا، قِدَادًا، هَرَبًا، حَطَبًا، غَدَقًا، صَعْدًا، و لَبِدًا در هیچ جای دیگر از قرآن به کار نرفته‌اند. از این موارد که بگذریم، ۱۸ کلمه دیگر عبارات پایانی این سوره این‌هاست: اَحَدًا (۵ مرتبه)، اَبَدًا، اَمَدًا، عَجَبًا، رَشَدًا (۳ مرتبه)، شَطَطًا، مُلْتَحَدًا، وَلَدًا، كَذِبًا (۲ مرتبه)، و عَدَدًا (۲ مرتبه). این کلمات همگی در پایان آیاتی از سوره کهف نیز دیده می‌شوند.

#### ۳-۱) اشتراک موضوعی آیات توحیدی

درباره واژه عجباً باید گفت که در اولین آیه سوره جن بیان می‌شود: «اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» و در آیه ۹ سوره کهف نیز آمده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ أَصْحَابَ الْكُهْفِ وَ الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا». در هر دو داستان — هم برای جن‌ها و هم برای اصحاب کهف — مقصود اصلی رهایی و نجات از شرک و راه‌یابی به توحید است. در سوره جن این هدایت با آیات قرآن صورت می‌گیرد؛ در سوره کهف زدودن شگفتی از این بیان می‌شود که چه‌گونه اصحاب کهف از شرک نجات پیدا کردند.

واژه رَشَدًا هم شایان تأمل است. ریشه «رُشد» ۱۹ بار در آیات قرآن آمده است. این واژه در سوره جن ۳ بار تکرار شده، و در سوره کهف ۳ بار آمده است؛ دوبار به صورت «رَشَدًا» و یک بار به صورت «رُشدًا». در آیه ۱۰ سوره کهف آمده است:

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكُهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا.

ترجمه: آن گاه که اصحاب کهف به سوی غار پناه جستند و گفتند: «پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان.»

در این آیه گفته می‌شود که اصحاب کهف از پروردگار راه نجاتی خواستند و «رَشَدًا»

درخواست کردند. در سوره جن هم آیه ۱۰ آمده است:

وَ أَنَا لَا نُنَدِرُ أَ شَرُّ أُرِيدُ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا.

مطابق این آیه، جنیان هنگامی که به درخواست انسان‌ها برای استراق سمع به آسمان‌ها رفته بودند بیان می‌کنند ما نمی‌دانیم برای اهل زمین شر اراده شده است یا رَشَد. در این آیه هم از

واژه «رشد» استفاده شده است. برای هر دو گروه قرار است راه «رشد» بسته شود. در آیه ۱۴ سوره جن نیز، بیان می‌شود که جنیان دو دسته شده‌اند: مسلمان و قاسط. کسانی که تسلیم و مسلمان اند در مسیر هدایت و «رشداً» قرار گرفته‌اند. در آیه ۲۱ نیز به پیامبر (ص) گفته می‌شود بیان کند که مالک ضرر و «رشد» کسی نیست. باتوجه به آیه ۱۰ سوره که بیان می‌کند انسان‌هایی به جن‌ها پناه بردند که اخبار غیب را بیان کنند، پیامبر (ص) می‌فرماید من مالک ضرر و رشد نیستم؛ یعنی آن تصویری که در مورد جن‌ها داشتید که اخبار غیب را برای شما بیاورند، همان تصور را درباره‌ی من نداشته باشید؛ بل که غیب نزد خداوند است.

### ۲-۳) تنزیه خدا

واژه‌های وَلَدًا و كَذِبًا هم شایان توجه اند. در سوره جن بیان شده است:  
 وَ أَنَّهُ تَعَلَّىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا... أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (جن/۳).

در سوره کهف نیز بیان شده است:

وَ يُذَرِّ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا... إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (کهف/۴-۵).

این‌گونه، در هر دو سوره بیان می‌شود که عده‌ای گمان می‌بردند خدا فرزندی گرفته است؛ ولی اینان برخدا دروغ می‌بندند.

درباره واژه شَطَطًا هم باید گفت که ریشه «شَطَط» سه بار در قرآن به کار رفته، که دو بار آن همین کاربرد واژه «شَطَطًا» در سوره جن و کهف است. «شَطَط» در لغت به معنی ظلم (راغب، المفردات، ۴۵۳) و دوری از حق (فیروزآبادی، القاموس المحيط، ۲/۵۶۱) است. در آیه ۴ سوره جن بیان می‌شود که جنیان اظهار داشتند سفیه کم‌خرد ما جنیان – ابلیس – درباره‌ی خدا یاهو می‌سراید. در آیه ۱۴ سوره کهف هم اصحاب کهف بیان می‌کنند:

رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (کهف/۱۴).

ترجمه: پروردگار ما خداوند آسمان‌ها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند؛ که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم.

باتوجه به سیاق آیه یادشده که درباره‌ی اتخاذ صاحبه و انتخاب ولد و دروغ بستن برخداوند است شَطَط باید احتمالاً به معنای حرف بی‌ربط باشد.

واژه احداً هم به دلیلی مشابه شایان توجه است. این واژه ۵ بار در سوره جن، و در سوره

کهف نیز ۸ بار آمده است. در آیه دوم سوره جن جنیان بیان می‌کنند قرآن به هدایت راهنمایی می‌کند و ما احدی را شریک پروردگار قرار نمی‌دهیم. در آیه ۱۱۰ سوره کهف هم بیان می‌شود که اصحاب کهف می‌گویند ما برای عبادت پروردگار خود شریک قائل نیستیم.

در آیه ۱۸-۲۰ سوره جن و ۳۸-۴۲ سوره کهف نیز همین معنا بیان شده است: در آیه ۲۶ سوره جن بیان می‌شود که خدا عالم به غیب است؛ در آیه ۲۶ سوره کهف هم بیان می‌شود که خدا آگاه از غیب آسمان‌ها و زمین است.

### ۳-۳) بحث معاد در دو سوره

در آیه ۱۹ سوره کهف بیان شود: «وَ كَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا...»؛ یعنی این گونه آن‌ها را از خواب برانگیختیم تا از یک‌دیگر سؤال کنند که چه مدت خوابیده‌اند. در آیه ۷ سوره جن نیز بیان می‌شود: «وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا». اگر بخواهیم با توجه به آیات دیگر سوره جن و کهف که باهم قرینه بودند این آیات را هم قرینه در نظر بگیریم، «بعث» در سوره کهف به معنی برانگیختن است؛ پس در سوره جن هم به معنی برانگیختن خواهد بود و معنی بعثت رسول اکرم (ص) را نمی‌دهد؛ گرچه بر سر این مسئله میان مفسران اختلاف هست.

برخی با نظر به سیاق آیات و به قرینه آیات نخستین، «بعث» را بعثت پیامبر (ص) معنا کرده‌اند (طباطبایی، المیزان، ۲۰/۶۵؛ مکارم، تفسیر نمونه، ۱۱۰/۱۲۵؛ صبوحی، تدبر در قرآن، ۲۴۶). برخی فقط مراد از آن را معاد را دانسته‌اند (حوی، الاساس، ۱۱/۶۱۷۷). شیخ طوسی در تفسیر تبیان هم هردو دیدگاه را بیان داشته، و البته حمل بعث بر معاد را راجح دانسته است:

أَنَّ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا أَيْ لَا يَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَحْسَبُهُ (طوسی، التبیان، ۱۰/۱۴۹).

طبرسی در مجمع البیان هر دو قول را بیان کرده، ولی قول معاد را اول آورده، و حمل بعث بر رسالت را با تعبیر «قیل» آورده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۵۵۶).

در سخن از سبب نزول سوره هم چند روایت نقل شده است که هیچ کدام مربوط به بحث رسالت نیست. از جمله شان نزول‌ها نقلی است در تفسیر قمی حاکی از این‌که پیامبر (ص) از مکه به سوی بازار عکاظ در طائف در حرکت بود تا مردم را به دین اسلام بخواند؛ اما کسی به وی پاسخ نداد. به هنگام بازگشت به محلی به نام وادی جن رسید. شب در آن جا ماند و آیاتی از قرآن را تلاوت نمود. گروهی از جنیان شنیدند و ایمان آوردند (قمی، التفسیر، ۵/۱۹).

نقل‌های دیگری هم البته در این باره هست (بنگرید به: طبرسی، *مجمع‌البیان*، ۹/۲۹)؛ اما مفسران قول اول یعنی حمل بعث بر بعثت پیامبر (ص) را از جهت سیاق آیه مخصوصاً آیات نخستین صحیح‌تر می‌دانند. البته، برخی از مفسران متقدم‌تر نیز، قول معاد را قوی‌تر می‌دانند و از نظر تطبیق با سیاق سوره کهف هم بحث معاد تقویت می‌گردد.

## نتیجه

در این مطالعه ساختار سوره‌شناسی با بررسی اجزاء و پیوند الفاظ و آیات بازشناخته شد. نیز، آراء مفسران در توضیح این ساختار مورد توجه قرار گرفت. بر پایه آن‌چه گفته شد، ساختار مباحث در سوره جن بر دو محور استوار شده است: از آیه ۱-۱۹ آیات پی در پی از طریق معنا و ساختار با هم پیوند دارند و موضوع بحث نیز بیان نحوه ایمان آوردن جنیان است. آیات ۲۰-۲۸ نیز توضیحاتی در تبیین رسالت پیامبر (ص) و عالم الغیب بودن خدا ست. این دو محور بحث با هم اشتراکاتی نیز دارند؛ زیرا در هر دو به توحید، رسالت، قیامت و رهایی از شرک اشاره شده است.

تحلیل ساختاری سوره در سطح واژگان هم نشان می‌دهد ارتباطاتی پنهان و ظریف در میان تعبیر سوره برقرار شده است؛ ارتباطاتی که با هدف القاء بهتر اغراض سوره شکل گرفته‌اند. این ارتباطات بنا ست خواننده سوره را متوجه کنند که جنیان نمی‌توانند از آسمان‌ها خبر غیبی بیاورند؛ زیرا شهاب‌هایی در کمین ایشان است. نیز، این نشان‌دهنده باطل بودن دعوی کسانی است که مدعی ارتباط با غیب از طریق ارتباط با جنیان اند.

تحلیل ساختار سوره در سطح آوایی نیز ما را به ویژگی‌هایی که منجر به زیبایی آیات می‌گردد رهنمون شد؛ ویژگی‌هایی از جمله عناصر تکرار، واج‌آرایی، تصدیر، و التفات. نکته شایان توجه دیگر در تحلیل ساختار سوره در این سطح، شباهت آهنگ و فواصل سوره با سوره کهف بود. مطالعه ما نشان داد میان مضمون این دو سوره نیز شباهت‌های مهمی وجود دارد که در مطالعات مستقلی باید مورد تحلیل دقیق‌تر قرار گیرد.

## منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۳- ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۴- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ۶- البرزی، پرویز، *مبانی زبان شناسی متن*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.
- ۷- بازرگان، عبدالعلی، *نظم قرآن*، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۵ش.
- ۸- بستانی، محمود، *التفسیر البنائی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۲۴ق.
- ۹- بقاعی، ابراهیم بین عمر، *نظم الدرر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- ۱۱- جهانگیری، اسدالله، *معرفی واژه‌های قل در کل قرآن مجید*، اصفهان، اقیانوس معارف، ۱۳۹۸ش.
- ۱۲- حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۰۹ق.
- ۱۳- دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحدیث*، قاهره، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۱۵- زمشیری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۱۶- صبحی، علی، *تدبر در قرآن کریم*، قم، آدینه، ۱۳۹۸ش.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۰- فخررازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.



- ۲۱- فضل‌الله، محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- ۲۲- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، قاهره، چاپ‌خانه حلبی، ۱۳۷۱ق.
- ۲۳- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
- ۲۴- قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
- ۲۵- معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ق.
- ۲۶- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم، *ویژگی‌های بلاغی بیان قرآنی*، ترجمه حسین سیدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸ش.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- ۲۸- هاشمی، احمد، *جواهر البلاغه*، ترجمه حسن عرفانیان، قم، نشر بلاغت، ۱۳۸۳ش.

## Bibliography

1. The Holy *Qur'ān*.
2. Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh, *Rūḥ al-Ma'ānī*, Beirut, Dār Al-Kutub Al-'Ilmiyya, 1415 AH.
3. B. 'Ashūr, Muḥammad Ṭāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Beirut, Arabic History Foundation, 1420 AH.
4. B. 'Āṭīyya, 'Abd al-Ḥaḡ b. Ghālib, *Al-Muḥarar al-Wajīz*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1422 AH.
5. Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mokarram, *Lisān al-'Arab*, Beirut, Dār Ṣādir, 1414 AH.
6. Alborzī, Parvīz, *The Basics of Linguistics of the Text*, Tehran, Amīrkabīr, 1386 SAH.
7. Bāzargān, 'Abdol-'Alī, *Nazhm-e Qur'ān*, Tehran, Qalam, 1375 SAH.
8. Bustānī, Maḥmūd, *Al-Tafsīr albanā'ī lil Qur'ān al-Karīm*, Mashhad, Islāmīc Researches of Āstān Quds Radhawī Foundation, 1424 AH.
9. Biqā'ī, Ibrāhīm b. 'Umar, *Naẓm al-Durar fī Tanāsib al-Āyāt wa al-Suwar*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1415 AH.
10. Tha'labī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Kashf wa al-Bayān*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī, 1412 AH.
11. Jahāngīrī, Asadollāh, *An Introduction to the Application of the word Qul in the whole of Holy Qur'ān*, Isfahan, Oqeyānūs-e Ma'refat, 1398 SAH.
12. Ḥawwā, Sa'īd, *Al-Asās fī al-Tafsīr*, Cairo, Dār al-Salām, 1409 AH.
13. Darwaza, Muḥammad 'Izza, *Al-Tafsīr Al-Ḥadīth*, Beirut, Dār Ihyā' al-Kutub al-'Arabīyya, 1383 SAH.
14. Rāghīb Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Al-Mufradāt*, Beirut, Dār Al-'Ilm, 1412 AH.
15. Zamakhsharī, Maḥmūd b. 'Umar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1407 AH.
16. Ṣabūḥī, 'Alī, *Thinking in Holy Qur'ān*, Qom, Ādīne, 1398 SAH.
17. Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mīzān*, , Qom, Jamā'a al-Mudarrisīn, 1417 AH.
18. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Majma' al-Bayān*, Tehran, Naser Khosrow, 1372 SAH.
19. Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān*, Beirut, Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
20. Fakhr Rāzī, Muḥammad b. 'Umar, *Mafātīḥ al-Qayb*, Beirut, Dār Ihyā' al-

- Turāth al-‘Arabi, 1420 AH.
21. Faḍlullāh, Muḥammad Ḥusayn, *Min Wahy al-Qur’ān*, Beirut, Dāral milāk, 1419 AH.
  22. FirūzĀbādī, Muḥammad b. Ya‘qūb, *Al-Qāmūs al-Muḥīṭ*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1371 AH.
  23. Quṭb, Sayyid, *Fī Zīlāl al-Qur’ān*, Beirut, Dāral Shurūq, 1412 AH.
  24. Qommī, ‘Āli b. Ībrahīm, *Al-Tafsīr*, ed. ‘Alī Mūsawī Jazā’irī, Qom, Dār al-Kitāb, 1367 SAH.
  25. Ma‘refat, Muhammad Hādī, *Al-Tambīd*, Qom, Jamā‘a al-Mudarrisīn, 1414 AH.
  26. Maṭ‘anī, ‘Abdul-‘azīm, *Rhetorical Features of Quranic Expression*, Persian translation by Ḥuseyn Seyyedī, Tehran, Sukhan, 1388 SAH.
  27. Makārim Shīrāzī et al, Nāṣer, *Tafsīr Nemūne*, Tehrān, Dār Islāmīyya, 1374 SAH.
  28. Hāshimī, Aḥmad, *Jawābir Al-Balāgha*, Persian translation by Ḥasan ‘Irfānī, Qom, Balāghat, 1383 SAH.